

۴۰ درصد از شاغلان زیر ۶ سال در یک شغل می‌مانند، حدودا ۱۰ درصد هم زیر یک سال

آمار هشداردهنده امنیت شغلی شاغلان ایرانی

صفحه ۸ را بخوانید

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

■ شماره مسلسل ۴۴۴۶ ■ پنجشنبه ۲۳ دی، ۱۴۰۰

■ ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ ■ ۱۳ راقبه ۲۰۲۲

■ شماره ۸، ۳۵۰

۱۶ صفحه
توران و واحدهای
دانشگاهی Pose تومان
شهرستان‌ها Pose تومان

فرهنگستان

www.fdn



صفحه‌های ۱۲ و ۱۱۳ را بخوانید

عیسی کلانتری در گفت‌وگو با «فرهنگستان»:

دریاچه ارومیه سال ۱۴۰۷

احیا می‌شود، صبر کنید!

صفحه‌های ۱۴ و ۱۵ را بخوانید



حراج تهران با برآورد اولیه ۱۵۴ میلیارد تومان فردا برگزار می‌شود، در ۴ سال

گذشته چگونه از قیمت ارز برای خلق پول مشکوک استفاده شده است

پول مشکوک جدا

نوسانگیری جدا

جزئیاتی از برگزاری کلاس‌های ترم آینده دانشگاه آزاد

آموزش حضوری می‌شود

امکان محدود برگزاری آموزش مجازی

هاشمی چه زمان‌هایی دموکراسی‌خواه و چه وقت‌هایی محدودیت‌طلب شد

نظارت انتخابی!

رئیس صندوق پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهنگستان»:

سرمایه صندوق پژوهش

به‌زودی دو برابر می‌شود

« یادداشت - ۱ »



مرتضی عبدالحسینی

پژوهشگر اقتصاد

ایران یکی از کشورهایی است که بازار بورس آن قدمتی در حدود ۵۵دهه‌راپشت‌سرگذاشته‌بااین‌حال همچنان نتوانسته بازاری کارا یا نزدیک به معیارهای جهانی که در خدمت رشد وتوسعه اقتصادی باشد، ایجاد کند. تصویب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۴، نقطه عطفی در تاریخ اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود که در آن نظام مالی جدیدی ایجاد و نهادهای مالی رونق تازه‌ای یافتند. با این وجود اما قوانین یادشده نتوانسته‌اند اهدافی نظیر تقارن اطلاعاتی افزایش کارایی در معاملات یا افزایش نفوذ بازار سرمایه در میان تمامی اقشار مردم را به شکل پایدار تأمین کنند و نمود بارز قامت کوتاه قوانین را در سال ۹۹ و بحران‌های خلق الساعه و گاهی دست‌ساز مقامات مسئول دیدیم. درحالی که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که موضوعات موردبحث تا حدی وابسته به مسائل و مشکلات مربوط به اقتصاد سیاسی و نقش پررنگ ذی‌نفعان در اقتصاد است، با این حال هیچ‌کدام از آنها منکر این امر نیستند که نارسایی قوانین و مقررات خود نیز به‌عاملی بدل‌شده‌تا رسیدن به اهداف یادشده رابرای کشور بادشواری مواجه کنند. همین امر سبب‌شده تا اصلاح قوانین حاکم بر بازار سرمایه طی سال‌ها و ماه‌های اخیر موردتوجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران عالی کشور باشدو با توجه به اینکه توسعه کمی بازار سرمایه و چندبرابر شدن تعداد سهامداران در بازارهایی نظیر سهام تنها در مدت کوتاهی رخ داده، طبیعتاً باید لزوم تغییر و تحول در این بخش از اقتصاد بیشتتر موردتوجه قرار گیرد. در همین راستا طی روزهای اخیر پیش‌نویس طرح اصلاح قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران که گزارشی از کارگروه بازار سرمایه کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی بوده، منتشر و با واکنش‌های مثبت و منفی زیادی روبه‌رو شد. از آن جایی که این پیش‌نویس فعلاً توسط کمیسیون اقتصادی مجلس منتشرشده و قاعدتاً تا رسیدن به یک قانون مسیر نسبتاً قابل توجهی را در پیش دارد، هنوز فرصت مناسب برای طرح و بررسی نکات جدید در مورد آن وجود دارد. در این نوشتار سعی شده نکات مثبت و منفی این پیش‌نویس به‌صورت موردی مطرح شود.

۹ حقایق‌ها صاحب کرسی شدند

در پیش‌نویس جدید چند قدم روبه‌جلو وجود دارد که برخی از آنها جزء مطالبات بلندمدت فعالان بازار محسوب می‌شود. برای مثال در نخستین ماده از پیش‌نویس یاد شده که در آن ترکیب شورای عالی بورس آمده، به ترکیب قبلی ۳ عضو ناظر از سوی مجلس شورای اسلامی و یک عضو به‌عنوان نماینده کانون سهامداران حقیقی اضافه شده است. در ماده ۱۶ این پیش‌نویس نیز گفته شده که سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است اساسنامه کانون سهامداران حقیقی بازار سرمایه را ظرف مدت سه‌ماه از ابلاغ این قانون تهیه کند. تشکیل چنین مجمعی می‌تواند سسهامداران حقیقی را در شورای عالی بورس دارای کرسی و حق رای کند که می‌تواند ساختار بازار سرمایه را از حقوقی محور به حقیقی محور تغییر دهد و برای سهامداران حقیقی در بازار سرمایه حقوق و اختیاراتی قائل شود. دوم آنکه معرفی برخی از اعضای شورای عالی بورس در قانون جدید به‌خود اعضای شورا واگذار شده که با توجه به تضاد منافع احتمالی دولت با بورس قدمی روبه‌جلو است، به‌عنوان مثال یک خبره مالی با معرفی اتاق بازرگانی به ترکیب اضافه شده است. در بحث ارتقای شفافیت نیز تمرکز شده تمامی اعضای شورامهیران سهامدار خودواشخاص وابسته را در بدو انتصاب به رئیس قوه قضائیه اعلام کنند. از طرفی اقداماتی نیز

بررسی پیش‌نویس اصلاح قانون بازار بورس؛

نیمه خالی به چشم می‌آید

در جهت فرهنگ‌سازی و آموزش بازارهای مالی صورت گرفته که به‌عنوان مثال در ماده ۵ و ۶، و شورای عالی انقلاب فرهنگی مکلف به تهیه سند ارتقای دانش مالی و اقتصادی ایران در تمام سطوح آموزشی شده است. در ماده ۱۴ و ۱۵ نیز بر افزایش ظرفیت بورس کالا و انرژی تأکید شده که می‌تواند قیمت‌گذاری‌های دستوری و دخالت‌های بی‌مورد را با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه کند.

۹ چالش‌های اصلی به‌قوت خود مانده‌اند!

روی دیگر این پیش‌نویس اما نقاط ضعفی وجود دارد که در روزهای اخیر در اعتراضی به ماده ۷ نمود بالایی آن را می‌بینیم و کار حتی به تشکیل پویش‌های اعتراضی در فضای مجازی نیز رسیده است. در ادامه ۷ مورد از کاستی‌ها و مطالباتی که جای خالی آنها در متن پیش‌نویس وجود دارد، بررسی شده:
۱. یکی از مشکلات عمده بازار سهام و از دلایل غیرقابلیتی و کم‌عمق بودن آن نسبت سهامداران حقیقی و حقوقی و فعالیتی‌های خرید و فروش نامتوازن است. لذا سهامداران حقوقی به‌خاطر وزن و سهم بالایی که دارند از قدرت بازاری بیشتری نسبت به سهامداران حقیقی برخوردار هستند و درواقع یکی از موانع اصلاح بازار سرمایه همین نسبت بالای حقوقی به حقیقی در اکثر سهام‌های بازار سرمایه است که موجب ایجاد ریسک و روگردانی سهامداران حقیقی از بازار سرمایه می‌شود. در همین مورد همان‌طور که گفته شد عضویت یک نماینده کانون سهامداران حقیقی در شورای عالی بورس قدمی روبه‌جلو است، اما با این وجود همچنان موازنه بازار به‌نفع حقوقی‌ها سنگینی می‌کند. هرچند در ماده ۱۲ پیش‌نویس، قانون مالیات‌های غیرمستقیم به‌طوری اصلاح‌شده تا شرکت‌ها در داشتن حداقل ۲۰ درصد سهام شتار و تحریک شوند، اما باز هم کافی نیست. در حال حاضر تعداد زیادی از سهام‌های بازار کمتر از ۱۰ درصد سهام شناور دارند که حتی در قانون پیش‌نویس نیز ملاحظاتی برای آن در نظر گرفته نشده است. محدود کردن اقدامات انحصاری، غیرشفاف و سوداگرانه سهامداران حقوقی موجب اعتماد بیشتر عموم مردم به بازار سرمایه می‌شود که چه در قانون مصوب سال ۸۴ و چه در پیش‌نویس اصلاحی که در حال حاضر روی میز بررسی است، چندان پررنگ نیست. ۲. براساس آخرین اطلاعات سازمان بورس، در آبان ۱۴۰۰ در حدود ۳۸ میلیون کد فعال حقیقی در بازار بورس وجود داشته است که حداقل یک‌بار معامله‌ای را ثبت کرده‌اند. این نسبت با توجه به جمعیت ۸۴ میلیونی ایران بسیار بالا بوده و همین مورد احتمال تصمیمات خطا و هدررفت سرمایه‌ها را بالاتر می‌برد. از همین رو بهتر بود که در پیش‌نویس جدید، قوانینی برای احراز صلاحیت علمی افراد برای ورود به کارزار بورس در نظر گرفته شود. هر چند این اقدام پلیسی مورد مذمت افرادی است که می‌خواهند آزادانه و بدون داشتن هیچ گونه سوادیه به فعالیت در بازارهای مالی بپردازند، اما با توجه به اتفاقات اخیر به‌خوبی واقفیم که در بلندمدت فرهنگ‌سازی و آموزش پاسخگو خواهد بود. در این مورد می‌توان آزمون‌ها و گواهینامه‌های مخصوصی طراحی کرد که به‌صورت منظم توسط کارگزاری‌ها از متقاضیان جدید بازار سرمایه گرفته شده و براساس توانایی افراد اجازه فعالیت برای آنها صادر شود. ۳. طبق ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار، سازمان بورس موسسه عمومی غیردولتی است که دارای شخصیت حقوقی مالی و مستقلی است که درآمد آن از محل کارمزدهای معاملاتی تأمین می‌شود. طبق این ماده قانونی هر شخصی پس از پذیرش هرگونه از مناصب مدیریتی در ارتباط با بازار سرمایه باید استقلال حرفه‌ای را در همه تصمیم‌گیری‌ها حفظ کند. اما با نگاهی به ترکیب شورای عالی بورس به‌عنوان عالی‌ترین رکن تصمیم‌گیر در ارتباط با بازار سرمایه چه در قانون مصوب ۱۳۸۴ و چه در پیش‌نویس جدید، همه چیز حاکی

از وابستگی بیش از پیش بازار سرمایه به دولت است. در ارتباط با ترکیب شورای عالی بورس ذکر دو نکته الزامی است؛ یکی اشخاص حقیقی که تحت‌عنوان خبره مالی و نماینده بورس کالا به عضویت شورای عالی بورس درمی‌آیند و با تصویب هیات‌وزیران به این شورا می‌پیوندند، بنابراین انتظار اتخاذ تصمیماتی مستقل از سیاست‌های دولت از این گونه افراد را نخواهیم داشت. از طرفی مصوبات شورا با رای دومسوم اعضای حاضر در جلسه شورای عالی بورس به تصویب می‌رسد که با توجه به ترکیب اعضا درواقع به‌معنی لزوم موافقت نفرات دولتی یا منتخب دولتی است. همین موارد است که شاید اجازه سوءاستفاده دولت از بازار به مانند آنچه در سال ۹۹ شاهد بودیم را می‌دهد و از طرفی دست افراد مستقل برای مقابله با تصمیمات حق به‌جانب دولتی‌ها را بسته نگه داشته است. ۴. در تبصره ۷ ماده ۳ از لزوم انتشار مصوبات در راستای انتشار و دسترسی آزاد اطلاعات گفته شده که البته مورد کامل‌تر آن پخش علنی جلسات شورا است تا سهامداران و فعالان بازار از روند تصمیم‌گیری و چند و چون تصمیمات نیز مطلع باشند. ۵. در ماده ۳۸ که بیش‌ترین حرف و حدیث‌ها در روزهای اخیر حول آن بوده، آمده است: «هرگونه تبلیغ، آموزش، برنامه یا محتوایی برای ارائه خدمات مرتبط با بازار بورس و اوراق بهادار براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف مدت چهار ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب هیات‌وزیران می‌رسد.» قانون‌گذار درواقع باین قانون به‌دنبال متمرکز کردن آموزش از طریق مجوز است، این درحالی است که بهتر بود قانون‌گذار، مدرسین و مرجین با هویت بازار سرمایه را تشویق و در صورت بروز تخلف با آنها برخورد جدی کند. در دنیایی که مباحث سرمایه‌گذاری به‌سمت موارد غیرمتمرکز پیش می‌رود قطعاً متمرکز کردن آموزش و از جهتی راننی کردن آن نه‌تنها کمکی به وضعیت فعلی نمی‌کند، بلکه به‌ضرر آن نیز خواهد بود. در این مورد پیشنهادهای متنوعی می‌توان ارائه کرد که یکی از آنها احراز صلاحیت علمی و تجربی مدرسین و اعلام اسامی آنها از سوی سازمان بورس است. به‌طور همزمان مدرسین بدون مجوز نیز نباید در صورت فعالیت با اقدامات پلیسی و امنیتی مواجه باشند، بلکه باید در مقابل آنها فعالان با هویت مورد تشویق و معرفی به علامتمندان قرار گیرند. ۶. از جمله مصادیق تعارض منافع می‌توان در بازار سرمایه به تصدی همزمان دویا چند شغل، رانت اطلاعاتی، تصمیم‌گیری در شرایط نفع شخصی، پذیرش هدیه، در‌های چرخان، اشتغال همزمان، خویشاوندسالاری، تعارض درآمد ووظایف، اتحاد ناظر و منظور، اتحاد مجری و قاعده‌گذار و... اشاره کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود این در اغلب کشورها در راستای مدیریت تعارض منافع، قانونی به همین عنوان تصویب شده و اجرا می‌شود، با این حال در کشور ما لایحه تعارض منافع در چندین نوبت تهیه شده و طی سال‌های مختلف در راهروهای دولت و مجلس به‌جای توجه، تنها خاک خورده است. در پیش‌نویس جدید نیز ملاحظاتی در این مورد دیده نمی‌شود. تنها اعضای هیات‌مدیره سازمان بورس اوراق بهادار تهران هستند که برای اشتغال همزمان دچار محدودیت هستند و بقیه مدیران منعی از این بابت ندارند. بررسی‌های «فرهنگستان» نشان می‌دهد که ۲۵ عضو هیات‌مدیره ارکان مختلف بورس (بورس، فرابورس، بورس انرژی، شورای عالی بورس و...) به‌طور همزمان در هیات‌مدیره ۶۸ شرکت خصوصی که عموماً فعالیت مالی دارند، عضو هستند که در خوشبینانه‌ترین حالت حاکی از عدم رعایت تعارض منافع است. ۷. مورد دیگری که در مرور ماده‌های قانون پیش‌نویس دیده می‌شود، ضرب‌الاجل‌های مکرری است که داده شده، این در حالی است که سابقه بازار نشان می‌دهد تصمیمات اینچنینی هیچ‌گاه پاسخ مناسب نداشته است. درواقع نگاه پادگانی در بسیاری از موارد طرح بروز دارد که ممکن است کیفیت تصمیمات حاصل از این مواد را با چالش‌های جدی روبه‌رو کند.

« یادداشت - ۲ »

تعاملات منطقه‌ای از مذاکرات هسته‌ای جداست

مهدی جهانگیری
فقال رسانه‌ای
برخی کشورها ممکن است در یک طراحی صورت گرفته به‌عنوان بخشی از بسته تشویقی برای ایران در راستای حصول توافق دلخواه آمریکا عمل کنند.

بیان پیشرفت مذاکرات در این مقطع به‌معنای حصول قطعی بودن توافق نیست، بلکه معنایش این است که یک‌چشم‌انداز و توافقات اولیه بر نحوه مذاکره و موضوعات مورد گفت‌وگو شکل گرفته است. ایران بحث رفع تحریم‌ها و نحوه راستی‌آزمایی را به‌عنوان دستورالعمل اصلی خود می‌بیند، قاعدتا اختلاف اساسی ایران با طرف غربی نیز در همین دو موضوع ریشه دارد. اساساً این دو مشکل نیز گره اساسی مذاکره بوده و برای ایران یکی از هدف‌های نهایی گفت‌وگوها محسوب می‌شود و اگر در برخی ادبیات‌ها کاهش اختلافات در باره پراترها گفته می‌شود به‌معنای رفع یعنی رسیدن به توافق نیست، بلکه به‌معنای این است که این دو موضوع با تلاش تیم ایرانی به‌عنوان دستورالعمل مذاکرات پذیرفته شده است.

عمان برای ایران از محترمین منطقه است، ایران و عمان تلاش کرده‌اند که سطح روابط خود را فراتر از تأثیرات برجام و کشورهای سوم حفظ کنند و عمان نیز به‌علت جایگاه محترمی که برای ایران دارد، در گذشته محل اعتماد ایران برای انتقال برخی پیام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. عمان در مقاطع مختلفی درچچه ورود به برخی گفت‌وگوهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بوده است. تقویت روابط با همسایگانی همانند عمان که کمتر از برخی کشورهای عربی دچار تشدد شده‌اند، برای دولت جدید نیز اولویت مضاعف دارد و اگر آنها حتی داوطلبانه نیز برای برخی رایزنی‌ها و واسطه‌گری‌ها ورود کنند، ایران به‌علت احترام دیرینه به مقامات این کشور نسبت به ایده برای واسطه‌گری یا انتقال پیام اهمیت قائل است و توجه عملی دارد و البته این موضوع استراتژی و نقشه راه دور جدید مذاکرات ایران را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

ضمن اینکه عمان علاوه بر نقش واسطه‌گری، یک میانجی محترم نیز هم برای ایران و هم برای کشورهای مقابل ایران محسوب می‌شود. یعنی عمان می‌تواند علاوه بر نقش واسطه‌گری، عاملی برای زمینه‌های کاهش تنش یا تعاملات جدید نیز باشد. ایران برای شنیدن نظرات مقامات عمان گوش شنوایی دارد و این البته ریشه در همان احترامی است که برای مقامات دو کشور وجود دارد. اما در اینجا باید به این نکته تأکید شود که علاوه بر عمان شاهد این هستیم که کشورهایی همانند عربستان، امارات و کره جنوبی و به‌نوعی ژاپن نیز تلاش می‌کنند از مذاکرات وین عقب‌نمانند و زمینه‌هایی برای گفت‌وگو با ایران پیدا کنند.

برخی از این کشورها البته همانند کره جنوبی تلاش می‌کنند که بازپرداخت بدهی به ایران را از فضای به‌وجود آمده در مسیر دلخواه خود قرار دهند. از سوی دیگر این طراحی نیز دور از ذهن نیست که برخی از این کشورها در این ایام با هدایت کشورهایی همانند آمریکا تلاش می‌کنند که با نزدیک شدن به میز مذاکرات وین، به‌نوعی نقش بسته‌های مکمل تشویقی را بازی کنند. این بسته تشویقی ظاهری می‌تواند به‌عنوان دستمایه برای عملیات روانی و تولید فشار در افکار عمومی عمل کند.

ضمن اینکه می‌تواند انتقال این آدرس غلط به جامعه ایران باشد که حصول توافق برجامی علاوه بر آمریکا خیلی از روابط دیگر ما با کشورهای دیگر حتی مثل عربستان و کره را نیز اصلاح می‌کند. بنابراین ایران اتفاقاً یکی از خطوط قرمز پررنگش این بوده که نقش مکمل مذاکراتی یا شراکتی کشورهای دیگر را نپذیرد و مسیر تعامل و کانال دیپلماسی با این کشورها را به برجام گره‌نزند. گره زدن برخی از گفت‌وگوها با کشورهایی مثل عربستان یا برجام، عملاً زمینه‌هایی برای ورود به برجام منطقه‌ای علیه ایران را به‌صورت تلویحی تحمیل خواهد کرد و باید از آن پرهیز کرد.

تدبیر در مذاکرات اقتضایی کند که ایران هیچ مذاکره جانبی و حتی به‌صورت موقتی در حوزه‌های غیرهسته‌ای را وارد گفت‌وگوها نکند و مسیر تعامل و تقویت روابط با دیگر کشورها را در مسیرهای مستقل خود دنبال کند.

آنچه از برخی شواهد برمی‌آید این است که ایران برای بازگشت دارایی‌ها دارد به‌طور مستقل از برجام تلاش می‌کند تا مسیر را باز کند و بدهی را براساس نیازهای اقتصادی خود وصول کند همچنین از سوی دیگر در ماه‌های اخیر ایران توانسته است که پول فروش نفت را با راهکارهای انحصاری خود به کشور بازگرداند.